

عارفی که بر روی منبر شعرهای زیبا می خواند

۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۳۷

یکی از موضوعاتی که در این دو منبع به آن اشاره شده و تا امروز هم مورد بحث و گفت و گوست، مسئله ی شاعر بودن یا نبودن ابوسعید است. درباره ی شاعری ابو سعید ابوالخیر دو نظریه وجود دارد.

آنچه می توان به عنوان منبع قدیمی در شرح حال ابوسعید ابوالخیر(عارف قرن پنجم هجری) به آن استناد کرد، دو کتابی است که توسط نوادگان شیخ تالیف شده است؛ یکی کتاب « اسرار التوحید» تالیف «محمد بن منورین ابی سعد بن ابی طاهر بن ابی سعید» و دیگری « حالات و سخنان شیخ ابو سعید ابی ابوالخیر میهنی» که توسط «جمال الدین ابو روح لطف الله ابن ابی سعد» نوشته شده است.

یکی از موضوعاتی که در این دو منبع به آن اشاره شده و تا امروز هم مورد بحث و گفت و گوست، مسئله ی شاعر بودن یا نبودن ابوسعید است. درباره ی شاعری ابو سعید ابوالخیر دو نظریه وجود دارد:

عده ای شاعری ابو سعید را رد می کنند و منکر آن هستند وعده ای دیگر به واسطه ی اشعاری که شیخ بر سر منبر می خوانده، او را شاعر می دانند. که البته هر کدام نظراتی دارند که دلیلی بر ادعایشان و سندی بر گفته هایشان است.

برخی از اشعار منتسب به این عارف برجسته پارسی را در ادامه می خوانید.

خواهی که کسی شوی زهستی کم کن

ناخورده شراب وصل مستی کم کن

با زلف بتان دراز دستی کم کن

بت را چه گنه تو بت پرستی کم کن ابوسعید ابوالخیر

گفتار نکو دارم و کردارم نیست

از گفت نکوی بی عمل عارم نیست

دشوار بود کردن و گفتن آسان

آسان بسیار و هیچ دشوارم نیست ابوسعید ابوالخیر

دلخسته و سینه چاک می باید شد

وز هستی خویش پاک می باید شد

آن به که به خود پاک شویم اول کار

چون آخر کار خاک می باید شد ابوسعید ابوالخیر

قومی ز خیال در غرور افتادند

و ندر طلب حور و قصور افتادند

قومی متشککند و قومی به یقین

از کوی تو دور دور دور افتادند ابوسعید ابوالخیر

از لطف تو هیچ بنده نومید نشد

مقبول تو جز مقبل جاوید نشد

مهرت بکدام ذره پیوست دمی

کان ذره به از هزار خورشید نشد ابوسعید ابوالخیر

رفتم به کلیسیای ترسا و یهود

دیدم همه با یاد تو در گفت و شنود

با یاد وصال تو به بتخانه شدم

تسیح بتان زمزمه ذکر تو بود ابوسعید ابوالخیر

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۱۴۷۴/روپ-عارفی-منبر-عزیز-عزیز>